

۹

فهمیده شهری اقتدار، صلابت، قدرت، شکست ناپذیری، عشق به وطن، معنویت، اصالت تاریخی، ریشه های مذهبی؛ همه را به نمایش گذاشته. اغراق نیست اگر بگویم محال است ایرانی باشی و از تماشايش لذت نبری. از سه راهی طریقه که به سمت مشهد می آید، المانی نصب شده است که توجه هر رهگذری را به خود جلب می کند. خیلی ها آن قدر جذب زیبایی و صلابت

این المان می شوند که تغییر مسیر می دهند تا بروند از نزدیک آن را ببینند و در قاب دوربین ثبتش کنند. دورتادور سازه نقشه ایران، نقوشی از کاشی های حرم رضوی دیده می شود. مقابل سازه وطن، مجسمه ۱۰ متری رستم گذاشته شده است. این رستم، کلاه خود بر سر گذاشته و گرز آهنی در دست گرفته، تا به جنگ دشمن رود و از مرزهای کشور دفاع کند. رستمی که در

داستان های شاهنامه او را شناخته بودیم، حالا نمادی است که ما را یاد تمام مدافعان وطن هم می اندازد؛ چه آن هایی که پای لانچرها و در زمین و هوا و دریا جان فدا ایستاده اند، چه آن ها که شب ها سنگر خیابان را حفظ می کنند. و چه زیباست وقتی در پس تمام این تصاویر، پرچم به اهتزاز درآمده ایران عزیزتر از جان را مشاهده می کنیم!



باید کاری می کردم

المان وطن جزو المان های نوروزی ۱۴۰۵ است و در پارکینگ بوستان وکیل آباد نصب شده. از زمان رونمایی اش در سوم فروردین تاکنون شاهد استقبال زائران و مجاوران از آن هستیم. این روزها افراد بسیاری که در اخبار و رسانه ها عکس و فیلم های المان وطن را دیده اند، مقصد تفریحاتشان را بوستان وکیل آباد قرار داده اند تا به قول معروف، یک تیر و دو نشان بزنند؛ هم المان را از نزدیک ببینند هم گشت و گذاری در هوای بهاری داشته باشند. زائران یا مجاورانی که از نصب این المان بی خبر بوده اند، همین که سه راهی طریقه را به سمت مشهد ببینند، این سازه سیزده و نیم متری را که بر فرازش پرچم کشورمان به اهتزاز درآمده است، می بینند و فراوان اندکسانی که جذب ابهت آن می شوند و به سمتش تغییر مسیر می دهند.

در ساخت این المان حدود چهل هنرمند و صنعتکار مشارکت کرده اند. همراه حوریه معزز که طراح آن است، راهی محل نصب المان می شویم و به گفت و گوی نشینیم. او می گوید: بعد از جنگ دوازده روزه و حملات اسرائیل و آمریکا که باعث به شهادت رسیدن سردارها و هم میهنانمان شد، با خودم گفتم باید کاری برای وطنم انجام دهم.

تعریف می کند: سردار حاجی زاده را خیلی دوست داشتم. بعد از ماجرای هواپیمای اوکراین که دیدم غم و غصه در چهره این سردار است، خیلی به ایشان ارادت پیدا کرده بودم. صبح روزی که فهمیدم ایشان و تعدادی دیگر در حمله های اسرائیل و آمریکا به شهادت رسیده اند آن قدر گریه کردم که بچه ام سقط شد.

داغ شهدای جنگ ۱۲ روزه بردلم سنگینی می کرد

او همین طور که اشک از چشمانش فرو می ریزد، ادامه می دهد: بعضی داغ ها تا ابد در گوشه سینه آدم می ماند و فراموش نمی شود. شهدای جنگ دوازده روزه برای من چنین حکمی داشتند. آن قدر داغ بردلم بود که با دیدن تصاویرشان روی بیلبوردها، فضای مجازی یا حتی صفحه مانیتورم، گریه ام می گرفت. می دانستم که خیلی از مردم مثل من چنین آتشی بردل دارند؛ برای همین تصمیم گرفتم با هنرم کاری برای وطنم انجام دهم.

معزز هم زمان، برای پروژه «گذر از حماسه»، در حال مطالعه اسطوره های ایران بوده و این داغ داغ را داشته که اسطوره های ایران را در هنرش نشان دهد. نتیجه این داغ داغ هایش در طراحی المان وطن نمود پیدا می کند.

او می گوید: در طراحی المان وطن، رستم را به عنوان سرباز وطن در نظر گرفتم که با قدرت جلو دشمن می ایستد و به پیروزی می رسد.

این هنرمند، نقوش دور سازه ایران را نشان می دهد و ضمن آنکه آن ها را برگرفته از نقوش و رنگ های کاشی های حرم رضوی معرفی می کند، می گوید: با این طرح ها خواستم بگویم کل ایران، زیر الطاف و سایه حضرت رضا (ع) قرار دارد و مدافعان وطن نه فقط از وطن، بلکه از حریم رضوی دفاع می کنند. او سال گذشته در فراخوان جشنواره هنرهای شهری مشهد طرحش را ارائه کرد که مورد تأیید قرار گرفت.

قصه ساخت المان باشکوه «وطن» که در فضای پرتنش ۱۲

تولد رستم، میان ۱۲

